

مطبوعات ایران در دوره اشغال (۱۳۲۵-۱۳۲۰)

سیدرو یک مرد تاریخی

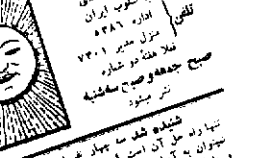
در تریه سال ۱۳۲۲ هجری بود اجانب اوجنوب و شمال دو وطن ما رخ کرده در تطبیق چشمه‌های...
امیر لژی هم خود اتاعتان بانک وضع شکن و خرم آوری مشنول تجاوز یافته لژیطرف سیاست اجانب از طرفی آذوب گران خون آشام و وطن فروشان داخلی با پنجه عالی فخرآین احساسات شریف وطن پرستی وآل بظواهر را که هرچند

داموگر اسی و مطبوعات

تاریخ ایران برای یک سده است که موعای بدن اسان را نکل بدهد من اگر نویسنده باشم همه آنها اشاره میکنند ولی اکنون من گذشته را خاطر پیروزه نصف میخوانم در اطراف موضوع الا حرف بزنم: آقایان ارباب حرانند کبچ نباید شد من در همین دوره با ولایتی هسته بنظر مرکزی بودت شبا غایب آندوخواه موش نباشد دود دورور را بنه

وضعیت مردم پریند

این مردمی که در نهایت حسرت و پشیمانی دهنه‌های سال تابان در زیر خوار گرفته بودند از این اظهار ده با یکدیگر شایه و کسی کبریت قطعا خواهد داد که بریتا



شماره شصت و سوم سال بیست و نهم
مجله خاندان سنی
شماره ۵۳۸۱
مجله خاندان سنی
مجله خاندان سنی

اخبار روز

شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۲۵ - ۲۴ دی ماه ۱۳۲۵

نشریه اداره کل انتشارات و تبلیغات
مجله اداره کل انتشارات و تبلیغات
تلفن ۸۳۹۰ - ۶۶۳۰
آرامگاه عمومی و بازرگانی پذیرفته میشود
شماره شصت و سوم

امتیاز جرائد

فرا از اطلاع نشانده اجرای قانون مطبوعات که از طرف شورای عالی فرهنگ تهیه شده بود در جلسه ۱۱ شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۲۵ هیات وزیران تصویب خواهد گردید.
بنابرین از روز سه شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۲۵ شورای عالی فرهنگ نشاندهای امتیاز طبق مقررات قانون اخیر رسیدهگی خواهد کرد.
این آنگاه در سرب دولت موده بوسیله تکلیف جرائد طبق قانون اخیر مقرر از ملاحظه کمی است که مطبوعات مطر موجود است و نشاندهای هم از دولت مروز همان بوده است.
در مملکت ما قوانینی است که

بیمه یابست کارگر

آقای میرزا حسن...
بیمه یابست کارگر...
بیمه یابست کارگر...
بیمه یابست کارگر...

یادداشت

شاید شد که چهار روز از شنبه کن سال...
شاید شد که چهار روز از شنبه کن سال...
شاید شد که چهار روز از شنبه کن سال...

مطبوعات خدمتگذاران

روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...

نشریه اداره کل انتشارات و تبلیغات
مجله اداره کل انتشارات و تبلیغات
تلفن ۸۳۹۰ - ۶۶۳۰
آرامگاه عمومی و بازرگانی پذیرفته میشود

اخبار

شنبه ۸ دی ماه ۱۳۲۵

مطبوعات خدمتگذاران

روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...

مطبوعات خدمتگذاران

روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...

مطبوعات خدمتگذاران

روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...
روزنامه نویسیها اکنون تنها حامی حقوق ملی هستند...

مجلس ش

خلاصه مذاکره...
خلاصه مذاکره...
خلاصه مذاکره...

بیمه کارگران

از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...

بیمه کارگران

از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...

بیمه کارگران

از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...

بیمه کارگران

از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...

بیمه کارگران

از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...
از کارهای مهمی که دارد خوشبختانه...

روز، نیروهای شوروی و انگلیس از سمت شمال، شمال شرق، شمال غرب، غرب، و جنوب غرب به ایران حمله کردند و در مدت کوتاهی توانستند تا شهر تهران پیش آیند. روسها در شمال و انگلیسیها در جنوب و غرب مستقر شدند. رضاشاه در مواجهه با این خطرها، ابتدا محمد علی فروغی (ذکاءالملک) را به نخست وزیری انتخاب کرد (در این کابینه، اسماعیل مرآت وزیر فرهنگ بود)، و پس از تلاش بسیار برای حفظ سلطنتش، ناچار شد در روز ۲۵ شهریور استعفا دهد. و پس از اینکه فرزندش محمد رضا را به جانشینی خود معرفی کرد، راهی خارج از کشور شد. پس از تعویض سلطنت، شاه جدید مجدداً فروغی را به نخست وزیری انتخاب کرد. او کابینه خود را در ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ به مجلس معرفی کرد و رأی اعتماد آورد. در این کابینه، دکتر عیسا صدیق وزیر فرهنگ بود. کار اصلی این کابینه، مذاکره با دولتهای شوروی و انگلیس برای روشن شدن وضعیت ایران بود. از سوی دیگر، ایجاد نظم در جامعه تازه از زیر خفقان رضاشاهی درآمده ایران، و انجام دادن انتخابات دور سیزدهم مجلس نیز مهمترین وظیفه دولت قلمداد می شد. پس از تشکیل مجلس سیزدهم در آذرماه و رسمیت یافتن آن، فروغی کابینه سوم خود را که در آن سید محمد تدین وزارت فرهنگ را برعهده داشت، در روز ۱۳ آذر ۱۳۲۰ به مجلس معرفی کرد و پس از گرفتن رأی اعتماد، کار خود را شروع کرد. مهمترین واقعه در حیات دولت سوم فروغی، امضای پیمان سه جانبه بین ایران و شوروی و انگلیس در مورد

● از اواخر شهریور ماه ۱۳۲۰،

مدیرانی که

نشریه های آنها

در دوران رضا شاه تعطیل شده بود،

در تدارک

چاپ دوباره

نشریه های خود

برآمدند.

وضعیت ایران در دوره اشغال بود. عمر کابینه چهارم فروغی که در ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ به مجلس معرفی شد و رأی اعتماد آورد، به دلیل مخالفتهای نمایندگان مجلس با عملکرد دولت فروغی و برخی از وزیرانش، چند روزی بیشتر طول نکشید. پس از آن، علی سهیلی به نخست وزیری انتخاب شد و در تاریخ ۱۸ اسفندماه، وزیران خود را به مجلس معرفی کرد. وزیر فرهنگ در این کابینه (و همچنین کابینه چهارم فروغی)، مصطفی عدل بود.^(۱)

انعکاس خبر ورود نیروهای شوروی و انگلیس به ایران و اشغال برخی از شهرهای کشور، در روزنامه اطلاعات عصر روز سوم شهریور ۱۳۲۰ شمسی، چیزی نبود به جز اعلام خیر تشکیل جلسه فوق العاده مجلس، و درج مشروح گزارش نخست وزیر - فروغی - به نمایندگان مجلس در مورد تبادل یادداشتها و مذاکره ها بین سفیران انگلیس و شوروی در ایران با وزیر خارجه و نخست وزیر ایران.

دو روز بعد، در روزنامه اطلاعات در سرمقاله ای به نام «بمبارانهای شهرهای آزاد» به بمباران شهرهای بی دفاع ایران به دست نیروهای شوروی و انگلیس، اعتراض می شود. در روزنامه اطلاعات روز ۱۱ شهریور، در گفتاری، از اخبار رادیو برلین در مورد اوضاع ایران به ملایمت انتقاد می شود و این اخبار تکذیب می شوند. در سرمقاله روز ۱۹ شهریور ماه به نام «تأثر مردم»، از تعطیل شدن سفارت خانه ها و کنسولگریهای دولتهای محور در ایران ابراز تأسف شد که این اعتراض، موجب تعطیلی روزنامه اطلاعات از تاریخ ۲۱ شهریور تا ۲۵ شهریور می شود. در فاصله سوم تا بیست و پنجم شهریور، اعلامیه های دولت و صورت مذاکره های مجلس که در روزنامه اطلاعات چاپ می شد، تنها قسمتهایی بودند که در آنها از حمله نیروهای انگلیس و شوروی به ایران صحبت می شد. البته از روز ۱۳ شهریور به بعد، بعضی از اخبار مربوط به ورود نیروهای متفقین به ایران، از زبان خبرگزاریهای خارجی و در ستون اخبار خارجی این روزنامه منتشر می شد.

پس از استعفای رضاشاه و فرار او از ایران در ۲۵ شهریور، و ادای سوگند قانونی محمدرضا شاه در مجلس شورای ملی در ۲۶ شهریور، وضعیت مطبوعات به کلی با سابق فرق کرد. روزنامه اطلاعات در سرمقاله

خود در روز ۲۷ شهریور با نام «نظریات نمایندگان مجلس برای آینده» می نویسد: «... دیگر از مسایلی که مورد توجه نمایندگان مجلس می باشد و در نظر است برای هر یک از آنها به تدریج تصمیمات قانونی مقتضی اتخاذ گردد، موضوع الغای مالیاتهای غیر عادلانه و تجدیدنظر در قوانین و مقرراتی است که موافق مصالح مردم و کشور نیست... همچنین راجع به آزادی زندانیان بی تقصیر و بالاخره اصلاحات امور قضایی و اجتماعی و اقتصادی کشور نیز گفتگوهای مفصل بین نمایندگان جریان دارد...».

از اواخر شهریور ماه، مدیرانی که نشریه های آنها در دوران رضا شاه تعطیل شده بود، در تدارک چاپ دوباره نشریه های خود برآمدند. آگهیهای زیر، به خوبی مشخص کننده وضعیت جدید برای مطبوعات است:

«مژده: چون نسیم آزادی بر صحایف مطبوعات وزیدن گرفت، روزنامه ناهید به همین نزدیکی چاپ و به موقع انتشار گذارده خواهد شد.»

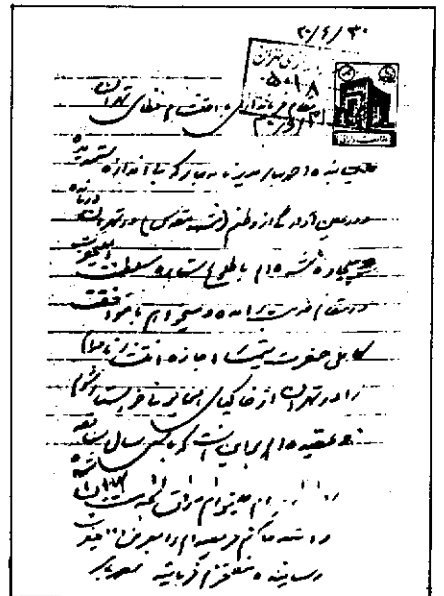
«چون در این هنگام آشفتنگی جهان که تجدید صلاهی آزادی و مشروطیت در ایران زبانزد خاص و عام شده، از این روی، در پیرو فداکاریهای گذشته برای خدمت به جامعه، دامن همت را به کمر زده، نامه کهن سال حلاج را به خواست خدا و پشتیبانی طرفداران آزادی و استقلال ایران منتشر خواهیم نمود... حلاج.»

چهار روز پس از سقوط رضاشاه در ۲۵ شهریور، احمد بهار صاحب امتیاز روزنامه بهار که در مشهد منتشر می شده، و به گفته خودش، نامه اش معروف جهان و آثارش محبوب همه ایرانیان بوده است^(۲)، نامه ای به محمدرضا شاه که هنوز چند روزی از آغاز سلطنتش نگذشته بود، نوشت و از او درخواست کمک و مساعدت برای چاپ نشریه اش که «در سال ۱۳۱۴ به سعایت محمد رفیع نوایی رییس شهرستانی مشهد، بیست ماه بی صاحب مانده و تعطیل گردیده» می کند. همزمان با این درخواست، احمد بهار نامه دیگری نیز به همین مضمون به فرمانداری نظامی تهران می نویسد.^(۳) فرمانداری نظامی این درخواست را به وزارت فرهنگ ارسال می کند، و در ۱۲ مهرماه یکی از مقامات وزارت فرهنگ در حاشیه نامه فرمانداری

نظامی، از احمد بهار تعریف کرده و انتشار روزنامه بهار را بدون مانع ذکر می‌کند. ولی در اعلام نظر رسمی وزارت فرهنگ در ۱۳۲۰/۷/۲۶، انتشار دوباره روزنامه بهار منوط به تصویب لایحه جدید مطبوعات در مجلس شده است. (۴) پس از آنکه تدبیر به جای عیسا صدیق در آذرماه به وزارت فرهنگ منصوب شد، احمد بهار در نامه‌ای خطاب به او می‌نویسد: «راه وطنم آنقدرها با وطن حضرتت دور نیست و اهل یک استان هستیم. از طرفی، در اول افرشته شدن لوی آزادی به مناسبت هم حزبی [بودن]، رابطه نزدیکی داشتیم». و از این طریق، سعی می‌کند اجازه انتشار نشریه خود را به دست بیاورد. این تلاشها، سرانجام به ثمر نشست و درخواست انتشار دوباره روزنامه بهار در ماههای دی و بهمن همان سال، جریان قانونی خود را طی کرد و در ۲۲ بهمن ۱۳۲۰، وزیر فرهنگ اجازه انتشار بهار را صادر کرد. (۵)

در ۱۵ مهرماه، عبدالرحمان فرامرزی در نامه‌ای خطاب به وزیر فرهنگ می‌نویسد: «این جانب می‌خواهد به همراهی برادر خود احمد فرامرزی، روزنامه تقدم را که چندی پیش از این، مدتی به صورت ماهیانه منتشر می‌گشت، بار دیگر آن را به طور روزانه منتشر سازد». (۶) سه روز بعد از نگارش این نامه، به فرامرزی اطلاع داده می‌شود که تا مشخص شدن وضعیت لایحه مطبوعات در هیئت دولت، وزارت فرهنگ نمی‌تواند به درخواست او جواب دهد.

در مقابل سیل ناگهانی تقاضا برای چاپ نشریه، دولت سعی کرد به جراید



توقیف شده در دوره رضاشاه و یا جراید نوپا اجازه انتشار ندهد و در راه انتشار آنها موانع قانونی ایجاد کند. در دهم مهرماه، کمیسیون به نام تجدید نظر در قانون مطبوعات تشکیل شد. عقیده عمومی کمیسیون این بود که چون این قانون و مقررات بعدی آن، با مقتضیات امروز کشور وفق نمی‌دهد، و در آینده می‌بایستی روش مطبوعات روی اساس و پایه‌ای باشد که با زندگی امروز و آینده موافقت داشته باشد؛ بهتر است لایحه قانونی تازه‌ای تنظیم شود. به این جهت، موافقت شد چند نفر از کارمندان این کمیسیون با اشتراک نظر رییس اداره نگارشات وزارت فرهنگ، لایحه‌ای که از هر جهت مفید باشد، تنظیم، و در کمیسیون اصلی مطرح، و پس از مطالعات کامل، پیشنهاد آن تهیه و به هیئت دولت تقدیم شود. (۷)

با این حال، این تدابیر نتوانست فعالیت مطبوعات را در کنترل دولت قرار دهد و مطبوعات باز هم در لابه‌لای صفحات خود به اسم حمله به رضاشاه و سیاستهای وی، انتقادهای سختی نیز از سیاستهای دولت فروغی می‌کردند که عمدتاً همان سیاستهای دوره رضاشاه را اجرا می‌کرد. این وضعیت، به حدی رسید که در اول آبان‌ماه، حکومت نظامی تهران در اعلامیه‌ای خطاب به مطبوعات، چنین هشدار داد: «به موجب ماده ۸ قانون حکومت نظامی مصوب سرطان ۱۳۲۹ قمری، مقرر است اگر روزنامه‌ها و مطبوعات برضد اقدامات دولت، انتشاراتی به طبع رسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد. و در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد، متصدیان یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد. فرماندار نظامی تهران، سپهبد احمدی». (۸)

در همان زمان که اعلامیه حکومت نظامی تهران منتشر شد، فروغی نخست‌وزیر، دست‌اندر کار تهیه لایحه‌ای برای اعمال سانسور مطبوعات و پیشنهاد آن به مجلس بود. او تمام کوشش خود را بر آن گذاشت که این لایحه را نمایندگان مجلس دوازدهم به تصویب برسانند، تا بتوان بر مطبوعات کنترل شدیدی اعمال کرد. لایحه‌ای که در آخرین روز فعالیت دوره دوازدهم مجلس به مجلس برده شد، برخلاف تصور فروغی مورد مخالفت بسیار شدید نمایندگان قرار گرفت و حذف شد. (۹) بعدها

فروغی نخست‌وزیر، در جواب به اعتراض روزنامه اطلاعات در مورد توقیف روزنامه ستاره، وضعیت آن روز مطبوعات را این گونه ترسیم می‌کند: «ایرادات قانونی شما راجع به توقیف روزنامه ستاره در شماره دیشب صحیح بود، لکن در مواقع عادی، البته مطابق قانون مطبوعات هر روزنامه که برخلاف وظایف قانونی خود رفتار کند، دولت می‌تواند آن روزنامه را توقیف نماید. و بعد از بیست و چهار ساعت هم بایستی تکلیف روزنامه مشخص شود و موضوع به محکمه ارجاع گردد و رأی هیئت قانونی درباره روزنامه صادر شود، اما نه در مواقع غیر عادی. اکنون حکومت نظامی در مرکز وجود دارد و مقررات حکومت نظامی مورد اجرا قرار می‌گیرد، بنابراین، تصدیق می‌نمایید که در این اقدام به هیچ وجه از طرف دولت خلاف قانون عمل نشده و ماده هشتم قانون حکومت نظامی، درباره توقیف روزنامه ستاره مجرا و معمول گردیده است». (۱۰)

در این مقطع زمانی، یکی از روشهای مقابله دولت با مطبوعات غیر همسرو با سیاست‌های عمومی دولت، چاپ نشریات هوادار خود بود. با هم مروری خواهیم داشت بر وضعیت یک نمونه از این نشریات. طبق اسناد موجود، در سال ۱۳۲۱ روزنامه گفتار و کردار انتشار می‌یافت. در تاریخ ۱۲ اردیبهشت این سال، وزارت فرهنگ در تلگرافی از استاندار وقت آذربایجان شرقی - فهیمی - درخواست می‌کند به مدیر روزنامه گفتار و کردار آقای محمد علی اخباری ابلاغ کنند در صورت ادامه انتشار روزنامه‌اش، از خدمت در دستگاههای دولتی استعفا دهد. (۱۱) در جواب، استاندار در نامه‌ای در مورد این نشریه چنین اطلاع می‌دهد: «چون بعد از توقیف روزنامه آذربایجان، روزنامه دیگری در تبریز نبود و به ملاحظاتی لازم بود روزنامه‌ای منتشر شود، از طرف استانداری به آقای اخباری اجازه داده شد روزنامه را چاپ و منتشر سازد، تا اجازه آن مطابق مقررات از مرکز برسد...»

اداره فرهنگ بار دیگر در نامه‌ای، از استاندار درخواست می‌کند وضعیت روزنامه‌هایی که بدون امتیاز در تبریز منتشر شده، مشخص شود. (۱۲) به گفته آقای ملک زاده، این نشریات عبارتند از: روزنامه گفتار و کردار، و اختر شمال، به نظر می‌رسد این درخواست بی‌جواب می‌ماند. زیرا شش ماه بعد در تاریخ ۱۳۲۱/۸/۲۰، شخصی به

نام انقلاب که خود را صدر اتحادیه کارگران معرفی می کرد، در تلگرافی به وزارت فرهنگ اطلاع می دهد که شورای نمایندگان پنج هزار کارگر، طبق قطع نامه، توقیف روزنامه ننگ آور گفتار و کردار [که] آبروی فرهنگ آذربایجان را [برده] تقاضا می نمایند.

در پی گیری این شکایت، اداره کل نگارش در نامه ای خطاب به وزیر فرهنگ، پس از اینکه توضیح می دهد امتیاز گفتار و کردار هنوز صادر نشده است، خواهان مشخص شدن چگونگی برخورد با درخواست اتحادیه کارگران می شود. (۱۳) وزیر فرهنگ نیز حل موضوع را به آقای اسماعیل امیرخیزی که یکی از سرشناسان آذربایجان در آن زمان بود، واگذار می کند. (۱۴) متأسفانه از نتیجه این رسیدگی اطلاعی در دست نیست ولی باتوجه به توضیح الول ساتن در ذیل نشریه کردار و گفتار، به نظر می رسد انتشار این روزنامه پس از سال ۱۳۲۱ نیز ادامه داشته است.

رابطه دولت و مطبوعات در این زمان، با ذکر چگونگی انتشار شماره اول (دوره دوم) نشریه نسیم صبا در دی ماه ۱۳۲۰ روشنتر خواهد شد.

آقای کوهی کرمانی مدیر مجله نسیم صبا، در ۱۳۲۰/۹/۲۲ در نامه ای به ریاست کل شهربانی، از وی درخواست می کند اجازه انتشار دوباره مجله نسیم صبا داده شود. او تعهد می کند که این مجله به هیچ وجه داخل در سیاست نخواهد شد، فقط جنبه ادبی و اخلاقی به خود خواهد گرفت. در خاتمه، ملزم هم می شوم که در پیرامون سیاست چه داخلی چه خارجی نگردد. و این قول را به جناب اشرف آقای نخست وزیر هم داده ام. (۱۵) و مدتی بعد، نسیم صبا منتشر می شود:

نامه نسیم صبا سال بیستم، دوره دوم، شماره اول: دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۲۰ صاحب امتیاز و مدیر: ح. کوهی کرمانی؛ آبونمان یکساله: ۵۰ ریال، تک شماره: ۵۰ دینار (دهشاهی)؛ جای اداره: موقتاً منزل شخصی، خیابان خانقاه، پهلوی خانقاه، شماره ۴۱۸۱ اندازه: ۲۲/۸ × ۲۰/۹ سانتی متر؛ صفحه اول: سرمقاله نصف صفحه، + اشعاری از شعرای مختلف (در مذمت دیکتاتوری) نصف صفحه؛ صفحه دوم: مقاله ای شعر و نظم گونه به نام «در قهوه خانه یوزباشی»؛

صفحه سوم: ادامه مقاله «در قهوه خانه یوزباشی» دوم صفحه، + ترانه های زندان یک سوم صفحه؛

صفحه چهارم: ترجمه ای به نام «دلآک سیاست باف» نصف صفحه، + شعرهای برگزیده (بقیه از صفحه اول) یک چهارم صفحه، + مطلب لطیفه گونه یک چهارم صفحه.

نمونه ای از نشر، از سرمقاله: امروز پس از پانزده سال، این نامه کوچک ادبی و اخلاقی منتشر می گردد. در این پانزده سال مدیر و نویسنده این نامه کوچک گاهی در زندان و گاهی در تبعید و زمانی با سختی و گرسنگی و بیچارگی دست به گریبان بوده است.

از مقاله «در قهوه خانه یوزباشی»: خوب، باباکوهی خواهش دارم دو کلمه برای

نام انتشار: نسیم صبا
تاریخ انتشار: ۱۳۲۰
محل انتشار: تهران
تعداد صفحات: ۴
تعداد کلمات: ۱۰۰۰
تعداد خطوط: ۱۰
تعداد ستون: ۲
تعداد جلد: ۱
تعداد شماره: ۱
تعداد شماره پستی: ۱۰۰۰
تعداد شماره تلفن: ۱۰۰۰
تعداد شماره فاکس: ۱۰۰۰
تعداد شماره اینترنت: ۱۰۰۰
تعداد شماره پستی: ۱۰۰۰
تعداد شماره تلفن: ۱۰۰۰
تعداد شماره فاکس: ۱۰۰۰
تعداد شماره اینترنت: ۱۰۰۰

در راستای دگرگون سازی وضعیت نشریات، مسئولان سازمان پرورش افکار تصمیم گرفتند مجله نمونه ای را حاوی کلیه خصوصیات کیفی یک مجله ایده آل به چاپ برسانند. این مجله، می بایست علاوه بر داشتن سطح بالای کیفیت محتوایی، در شکل چاپ نیز آن گونه عمل کند که سرمشقی برای دیگر مجلات باشد. در نتیجه، مجله ایران امروز به مدیریت محمد حجازی در سال ۱۳۱۸ آغاز به کار کرد. پس از گذشت مدتی، صرف مخارج گزاف در راه چاپ و انتشار مجله، و کمی تعداد فروش آن، مسئولان سازمان پرورش افکار را به فکر چاره ای برای بقا و ادامه حیات مجله ایران امروز انداخت. آنها بهترین راه حل تداوم انتشار ایران امروز را در اجباری کردن اشتراک این مجله و تحمیل آن به کارمندان دولت یافتند. این شیوه، تا شروع حمله متفقین به ایران ادامه یافت. بدیهی است مشکلات ناشی از این حمله و فروپاشی حکومت رضاشاه، بر عملکرد این مجله نیز تأثیر گذاشت. پس از آنکه در آذرماه ۱۳۲۰، در بخشنامه ای به کلیه اداره های دولتی دستور داده شد کسی را مجبور به اشتراک مجله ایران امروز نکنند، در اواخر اسفند ماه، وزیر دارایی در نامه ای به نخست وزیر، پس از تذکر مخارج چاپ و انتشار مجله ایران امروز و نداشتن بودجه برای این کار، توصیه می کند: «عجالتاً از چاپ مجله گفته شده صرف نظر نمایند تا با وضعیت و مشکلات کنونی از این حیث خسارتی متوجه دولت نگردد». (۱۶) نخست وزیر نیز در حاشیه این نامه، ضمن آنکه نظر خود را مبنی بر ضروری نبودن چاپ مجله ایران امروز بیان می کند، دستور می دهد که از اداره کل تبلیغات - که مسئول انتشار مجله ایران امروز بود - در مورد ادامه انتشار این مجله نظر خواهی شود. (۱۷) این اداره در پاسخ، ضمن برشمردن فواید وجود مجله ایران امروز، چنین اظهار نظر می کند: «در اثر وصول مرقومه فوق [= نامه نخست وزیر] و برای رعایت صرفه جویی، در نظر است هر دو ماه یک مرتبه مجله ایران امروز به چهار زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه و روسی حاوی مطالب تبلیغاتی و سودمند منتشر گردد. حذف مجله مصور، فلج کردن یک عضو تبلیغات است...». در ادامه، وزارت دارایی در ۲ خرداد ۱۳۲۱، در نامه ای به نخست وزیر، پس از برشمردن هزینه چاپ مجله ایران امروز در

ما صحبت بکن بگو ببینم این روزها دولت چه بر سر ما درمی آورد. یک روز می آید کوپن قند و شکر برای ما درست می کند، بسیار خوب، در عمل دیدیم که این یک کار بسیار خوبی بود.

در ادامه بحث، جای آن است که با توجه به برخورد سخت دولت با مطبوعات، وضعیت یکی از معروفترین مطبوعات دولتی در سال ۱۳۲۰ یعنی مجله ایران امروز بررسی شود. پدید آمدن مجله دولتی ایران امروز، حاصل تحولات فرهنگی در اواخر دوره رضاشاه بود که منجر شد به دخالت و نظارت بیشتر دولت بر مطبوعات به دست کمیسیون مطبوعات، سازمان پرورش افکار.

چاپخانه مجلس و عدم کفاف درآمد فروش آن برای هزینه‌اش، بار دیگر جلوگیری از انتشار این مجله را درخواست می‌کند. وزارت مالیه به همراه این نامه، آماری را از تیراژ مجله و تعداد فروش آن در دوازده ماه سال ۱۳۲۰ ارائه می‌کند.^(۱۱۸) این آمار، با توجه به اینکه وزارت خانه‌ای آن را تهیه کرده است که مخالف انتشار مجله ایران امروز بود، مهمترین بیان کار این مجله در آخرین سال انتشارش می‌باشد. با توجه به این آمار، می‌توان وضعیت فروش این مجله را در قبل و بعد از شهریور ۱۳۲۰ با هم مقایسه کرد.

در فروردین ماه ۱۳۲۰، تیراژ مجله ۴ هزار نسخه بود، که با توجه به مجبور بودن کارمندان دولت در خرید آن، تعداد ۲۲۵۴ نسخه به فروش رفته و تعداد ۱۷۴۶ نسخه نیز باقی ماند. این تعداد مجله باقی مانده، مسئولان را به تکاپو انداخت. در نتیجه، دوماه بعد در خرداد ماه همین سال، تیراژ مجله به نصف کاهش پیدا کرد و این تعداد، تا شماره مهر و آبان مجله ثابت باقی ماند ولی تعداد مجله باقی مانده و به فروش نرفته، از ۲۱۳ عدد در خردادماه به ۸۰۸ عدد در آبان ماه می‌رسد (تعداد فروش ۱۱۹۲). به نظر می‌رسد بار دیگر مسئولان اداره تبلیغات با توجه به اینکه نزدیک به نیمی از تعداد مجله چاپ شده به فروش نرفته بود، و از سوی دیگر، از آذرماه ۱۳۲۰ به بعد اشتراک این مجله برای کارمندان دولت اجباری نبود، تصمیم می‌گیرند تیراژ مجله را بار دیگر کاهش دهند و به یک چهارم تعدادی که در فروردین ماه چاپ می‌شد (یعنی ۱۰۰۰ عدد) برسانند. این کار صورت گرفت، ولی نتیجه جالبی در پی داشت. فروش مجله ایران امروز در سه شماره آخر سال ۱۳۲۰، رشد کرد و از ۹۰۰ به ۹۵۵ رسید، به نحوی که از آخرین شماره مجله در سال ۱۳۲۰، تنها ۴۵ نسخه به فروش نمی‌رسد. و این ایده‌آلترین شکل برای حیات یک مجله در آن سالها بوده است. ولی مشکلات مالی دولت را از ادامه انتشار مجله ایران امروز باز داشت و به رغم آنکه در ۸ اردیبهشت ۱۳۲۱، در یک آگهی در روزنامه اطلاعات اعلام می‌شود: «مجله ایران امروز بزرگترین و زیباترین و سودمندترین مجله‌های کشور با تصمیمهای تازه‌ای که درباره سبک و مندرجات این مجله گرفته شده، از همین شماره امتیازهای روز افزون در آن خواهید یافت و تک شماره آن نیز به ۵ ریال تنزل داده شد و روز انتشار از این شماره

سال چهارم است...»، در نهایت، در اواسط همین سال، انتشار این مجله برای همیشه متوقف شد.

در پنجم بهمن ماه ۱۳۲۰، در هیجدهمین جلسه مجلس شورای ملی (دورسیزدهم)، دولت لایحه‌ای در مورد اصلاح قانون مطبوعات به مجلس شورای ملی ارائه داد. ماده واحده این لایحه به این شرح است:

«ماده واحده: مجلس شورای ملی اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را چنین تفسیر می‌نماید که مراد از تقصیرات مطبوعاتی که باید هیئت منصفین در محاکم حضور داشته باشند، تقصیرات سیاسی مطبوعاتی است...»^(۱۱۹) این لایحه، برای شور به کمیسیون مربوطه فرستاده شد.

به دنبال اشغال ایران به دست متفقین، ورود کاغذ روزنامه به ایران دچار اختلال

● در مقطع زمانی فرار رضا شاه

و استقرار محمدرضا شاه،

یکی از روشهای مقابله

دولت با

مطبوعات غیر همسو با

سیاستهای عمومی دولتی،

چاپ نشریات

هوادار خود بود.

شد، و جراید با مشکل کمبود کاغذ مواجه شدند. این مشکل، در اواخر سال ۱۳۲۰ شکل حادی پیدا کرد، به طوری که بسیاری از مدیران جراید، انتشار روزنامه و مجلات خود را متوقف کردند، یا تعداد صفحات را کاهش دادند. برای مثال، روزنامه اطلاعات که بعد از شهریور ۱۳۲۰، در چهار صفحه منتشر می‌شد، از اوایل فروردین ۱۳۲۱ تعداد صفحات خود را به دو صفحه کاهش داد. دولت برای مقابله با این وضعیت، اقدام به وارد کردن مقداری کاغذ روزنامه از کانادا و آمریکا کرد.^(۱۲۰) این کار، اثری مثبت داشت، و در اواسط سال ۱۳۲۱، روال انتشار جراید به حالت عادی افتاد.

در اواخر فصل بهار ۱۳۲۱، درگیری دولت و مطبوعات که مدتی فروکش کرده

بود، بار دیگر آغاز شد. چندین روزنامه مختلف نظیر اقدام و آزاد نیز توقیف شدند. روزنامه اطلاعات در سرمقاله‌ای در اول خرداد ۱۳۲۱، از دولت سؤال می‌کند: «چرا دولت امتیاز روزنامه نمی‌دهد؟» و بالاخره، در ۲۴ همین ماه یکی از نمایندگان مجلس در نطقی، دولت را به دلیل سیاستهای غلط در مورد مطبوعات، به شدت مورد حمله قرار می‌دهد و چنین می‌گوید:

«بعد از شهریور ۱۳۲۰، عده‌ای در صدد برآمدند روزنامه منتشر کنند، ولی ابتدا معلوم نشد به چه مناسبت اجازه ندادند. وقتی در مجلس صحبت شد که بعضی روزنامه‌ها چاپ شده بود که اداره شهربانی از انتشار آنها جلوگیری کرد. ولی در زمان کابینه سوم آقای فروغی، در زمان وزارت فرهنگ آقای تدین، قریب سی چهل امتیاز داده شد که حالا روزنامه‌های آنها منتشر می‌شود. بعداً دوباره از امتیاز دادن روزنامه خودداری شده... بنده شنیده‌ام این کارها به موجب تصویب نامه هیئت وزیران بوده است، در صورتی که هیئت وزیران صلاحیت ندارد چنین عملی را بکنند. زیرا برخلاف قانون اساسی است، و اصولاً گرفتن امتیاز جنبه قانونی ندارد، بر طبق اصل بیستم قانون اساسی و ماده ۸ قانون مطبوعات...»

در هر حال، تقاضا دارم آقای وزیر فرهنگ توضیح دهند آیا چنین تصویب نامه‌ای از طرف هیئت وزیران صادر شده است. و آیا به شهربانی دستور داده‌اند که جلوگیری از انتشار روزنامه‌ها بنمایند یا خیر؟»

جواب وزیر فرهنگ (عدل): گرفتن امتیاز نامه بر اساس قانون ۲۲ اسفند ۱۳۰۰ می‌باشد. و وزارت فرهنگ ابداً به شهربانی دستور نداده است که از کار روزنامه‌ها جلوگیری کند. راجع به تقاضای امتیاز هم، چه در مورد روزنامه‌هایی که امتیاز داشته‌اند و در زمان گذشته توقیف شده و چه آنهایی که جدیداً می‌خواهند چاپ کنند، درخواست هر دودسته بررسی شده، در صورت عدم وجود مانع، اجازه صادر می‌شود.

بدین ترتیب، درگیری دولت و مجلس و مطبوعات بعد جدیدی پیدا می‌کند و بعد از مدتی، منجر به توقیف بزرگ و عمومی مطبوعات، پس از حوادث ۱۷ آذر ۱۳۲۱ می‌شود.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰، عده زیادی از خبرنگاران خارجی به ایران آمدند. البته قبل از وقایع شهریور ۱۳۲۰، خبرنگاران

خارجی در ایران حضور داشته‌اند، ولی ظاهراً ورود این خبرنگاران و حجم زیادی از مطبوعات خارجی، برای پوشش خبری و تبلیغاتی سربازان و نیروهای متفقین در ایران بود. اثرهای حضور بر مطبوعات ایران در آن زمان، خود مبحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند. وما در اینجا، اشاره‌ای گذرا به این موضوع خواهیم داشت.

خبر اولین حضور غیرعادی خبرنگاران خارجی را در ایران پس از سوم شهریور، روزنامه‌اطلاعات این چنین منعکس می‌کند: «ورود خبرنگاران خارجی به ایران... چون بعضی از خبرنگاران با لباس ویژه خود که شبیه به فرم نظامی است در خیابانها دیده شده‌اند، گروهی آنان را افسر [خارجی] پنداشته‌اند...».

رفت و آمد خبرنگاران خارجی در نقاط گوناگون ایران، گاهی نیز به ضرر آنها تمام می‌شد. به طور مثال، در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۱، یکی از خبرنگاران آمریکایی (خانم بوردست)، به دست راهزنان در نزدیکی میان‌دوآب کشته شد.

مدتی بعد نیز ارتباط بین نشریه‌های ایرانی - به ویژه تهران - و خبرنگاران خارجی بیشتر شده و هر دو گروه مهمانیهای به افتخار یکدیگر برگزار می‌کردند. مجله‌های خارجی را نیز در تهران چند مغازه به فروش می‌رساندند. به نمونه‌ای از آگهی فروش این نوع مجلات دقت کنید:

«دیگران راجع به ایران چه می‌گویند؟ - مجله‌های خارجی مصور (فارسی، انگلیسی، فرانسه، عربی) بنگاه پیاده‌رو، چهارراه یوسف‌آباد می‌تواند عقاید خارجیها را راجع به ایران به شما بگویند...»^(۲۱) از سوی دیگر، سفارت خانه‌های خارجی در ایران، به چاپ یک سری مجلات و جراید پس از شهریور ۱۳۲۰ اقدام کردند. انگیزه آنها از این کار عبارت بود از:

۱. زیر پوشش قرار دادن نیروها و مهاجران خارجی مستقر در ایران. برای مثال، سفارت لهستان در تهران، برای زیر پوشش خبری قرار دادن لهستانیهای مقیم ایران، در فاصله سالهای ۱۳۲۰/۲۴ اقدام به انتشار یک سری مجلات می‌کرد.

۲. انتشار جرایدی به زبان فارسی، برای تبلیغ اهداف و فعالیت‌های کشورهای متفقین در بین مردم ایران. سفارتخانه‌های انگلیس، شوروی، آمریکا، فرانسه، در طول

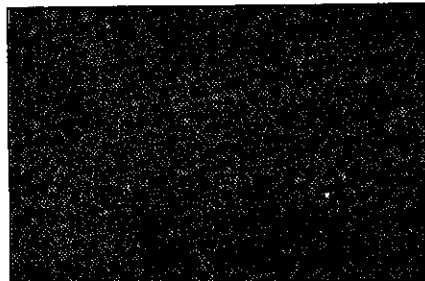
سالهای ۱۳۲۰/۲۴ با این انگیزه دست به انتشار تعدادی نشریه در ایران زدند. یک نمونه از این نشریات - که شاید بتوان گفت اولین نشریه از این قبیل انتشارات است - روزنامه افکار خلق است که سفارت شوروی از هنگام هجوم نیروهای شوروی به ایران، آن را به زبان فارسی منتشر می‌کرد. هر چه از زمان حضور نیروهای اشغالگر در ایران بیشتر می‌گذشت، چاپ این قبیل نشریات بیشتر می‌شد.

□

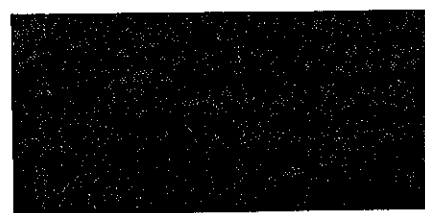
حال از زاویه‌ای دیگر وضعیت مطبوعات را بررسی می‌کنیم. در این قسمت، سعی می‌شود آمارهای موجود از مطبوعات چاپ شده در این سالها، باهم مقایسه شود. برای این کار، فهرستی را که اللو ساتن (با افزوده‌های دکتر حسین ابوترابیان) از مطبوعات ایران در دوره ۱۳۲۰/۲۴ تنظیم کرده است، پایه و مأخذ این بررسی مقایسه‌ای قرار می‌دهیم.^(۲۲) و از سوی دیگر، اطلاعاتی که در نشریات آن زمان در مورد چاپ و انتشار نشریات وجود دارد، گردآوری شده است. همه این اطلاعات، بر حسب سال به طور جداگانه تنظیم، و سپس آمار هر سال با یکدیگر مقایسه می‌شود، و از این طریق، می‌توان به افق‌های تازه‌تری نسبت به وضعیت مطبوعات در دوره اشغال دست یافت.

بر اساس فهرست ساتن، بالغ بر ۷۴ نشریه که قبل از سقوط رضاشاه یا به طور مستمر چاپ می‌شدند و یا اینکه توقیف شده بودند، بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر انتشار یافتند. نتایج بررسی آماری پیرامون این ۷۴ نشریه، بدین قرار است:

● از نظر ترتیب انتشار



● بر حسب محل انتشار



● فروغی نخست‌وزیر

محمد رضا شاه تمام کوشش خود را بر آن گذاشت که

لایحه اعمال سانسور مطبوعات را نمایندگان مجلس دوازدهم

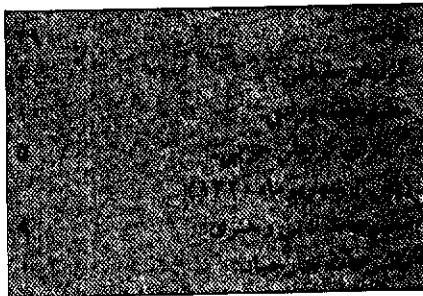
به تصویب برسانند،

تا دولت بتواند بر مطبوعات

کنترل شدیدی اعمال کند؛

لایحه‌ای که مورد مخالفت بسیار شدید نمایندگان قرار گرفت و حذف شد.

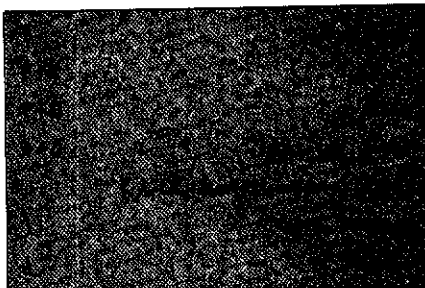
● تقسیم بندی از نظر گرایش و وابستگی



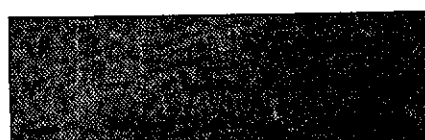
طبق فهرست ساتن، ترتیب انتشار توفیق هفتگی بوده است، در حالی که بر اساس اطلاعات به دست آمده از روزنامه‌های سال ۱۳۲۰ (اطلاعات، مهرماه)، توفیق به سه صورت هفته‌نامه، ماهنامه و سالنامه انتشار می‌یافت.

حال، نتایج بررسی آماری نشریاتی که در فاصله بین شهریور تا اسفند سال ۱۳۲۰ (برای اولین بار) شروع به انتشار کردند، ارائه می‌شود:

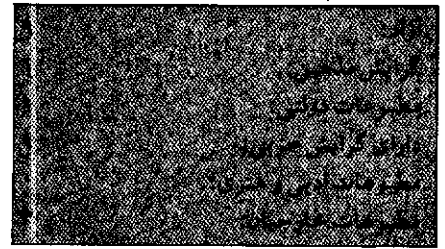
● از نظر ترتیب انتشار



● بر حسب محل انتشار



● تقسیم بندی از نظر گرایش و وابستگی



لازم به تذکر است، در ستون تقسیم بندی «از نظر ترتیب انتشار» اعدادی که به این شکل هستند: ۳+۴، بدین معنی می باشند، که فرضاً چهار جریده به صورت روزانه چاپ شده و سه نشریه علاوه بر آنکه ترتیب انتشار دیگر داشته اند، گاهی به طریقه روزانه نیز چاپ می شده اند.

در انتها، برای آشنایی هرچه بیشتر با موضوعات مطرح شده در مطبوعات سال ۱۳۲۰، مروری خواهیم داشت بر یک شماره از مجله اطلاعات هفتگی:

اطلاعات هفتگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ع. مسعودی، جای اداره: خیابان خیام، اداره روزنامه اطلاعات، نک شماره: ۲ ریال بهای اشتراک:

۱۲ ماهه ۶ ماهه سه ماهه
تهران و شهرستانها: ۳۰ ۵۰ ۹۰
خارج: ۶۰ ۱۰۰ ۱۸۰
شماره ۳۴، شانزدهم آبان ۱۳۲۰ شمسی
تعداد صفحات: ۲۴ ص
اندازه: ۳۴/۲۳۳/۷ سانتی متر

صفحه اول: روی جلد: عکس برگزاری جشن ۴ آبان؛

صفحه ۲ و ۳: گزارشهایی از مراسم جشن چهارم آبان، همراه با عکس؛

صفحه ۴: اخبار، با نام «ایران در هفته گذشته»؛

صفحه ۵: اخبار، با نام «دنیا در هفته گذشته»؛

صفحه ۶: مقاله «جنگ ناپلئون در روسیه» سه

چهارم صفحه + عکسی از سربازان روسی در

جنگ دوم جهانی یک چهارم صفحه؛

صفحه ۷: یک صفحه عکسهای خبری با عنوان

«منظری چند از جنگهای جبهه خاور»؛

صفحه ۸: مطالب متنوع با نام «برای آنکه مادر

خوبی باشید» همراه با عکس؛

صفحه ۹: ادامه مطلب «برای آنکه مادر خوبی

باشید» همراه با عکس یک سوم صفحه +

موضوعی با نام «راهپیمایی» یک سوم صفحه +

«نوصیه هایی به زنان و شوهران جوان» یک سوم صفحه؛

صفحه ۱۰: ادامه مطلب «راهپیمایی» یک سوم

صفحه + زندگی نامه ادیب خوانساری دو سوم

صفحه همراه با عکس؛

صفحه ۱۱: داستان خارجی «سه والس» همراه با

عکس؛

صفحه ۱۲: داستان خارجی «برکه تبهکاری»

همراه با طرح؛

صفحه ۱۳: ادامه داستان «برکه تبهکاری»

چهار پنجم صفحه + مطلبی برای زنان با عنوان

«پیراهن زیبایی که هم در شهر وهم در خارج

شهر می توان پوشید» همراه با عکس یک پنجم

صفحه؛

صفحه ۱۴: داستان سلطان رضیه و یاقوت

حبشی» از عبدالرحمان فرامرزی یک دوم صفحه

+ داستان «مشتی خاک» از ع. صبوری یک دوم

صفحه؛

صفحه ۱۵: مقاله «جنگ و پیشرفتهای پزشکی»،

ترجمه، همراه عکس؛

صفحه ۱۶: مجموعه عکس و کاریکاتور با نام

«در مهمانخانه»؛

صفحه ۱۷: مقاله «زندگی آمریکاییها» دو سوم

صفحه + مطالب کوتاه و سرگرم کننده با عنوان

«راست و باور نکردنی» یک سوم صفحه؛

صفحه ۱۸: داستان تاریخی «شبهای بابل» از

علی جلالی؛

صفحه ۱۹: مطلبی با نام «مصریان قدیم چگونه

حرف می زدند» که این موضوع با دستگاه ضبط

صوت به طریقه عکس مقایسه شده است دو سوم

صفحه + مقاله «سی میلیون نفوس هنوز خیر

ندارند که چهار سال است مشغول جنگ

می باشند» یک سوم صفحه؛

صفحه ۲۰: مطالب گوناگون با نام آموزش

بازی بریج + حقه بازی + مسابقه های عکسی +

جدول + بازی شطرنج نه دهم صفحه + بقیه

مطلب «سی میلیون نفوس...» یک دهم صفحه؛

صفحه ۲۱: مطالب گوناگون و متنوع مانند

صفحه ۲۰، که قسمت عمده آن عکس و

کاریکاتور است؛

صفحه ۲۲: مطالبی با نام «بچه ها این صفحه

مال شماست» که حاوی موضوعات متنوع «قصه،

جدول، مسابقه عکس» برای بچه هاست؛

صفحه ۲۳: یک کاریکاتور تمام صفحه از اوضاع

اجتماعی روز؛

صفحه ۲۴: یک صفحه کامل آگهی خمیردندان

اتیمل.



وزارت دایره
اداره کل شهریه

روزشش نامه بهر جمله نسیم صبا مورخه ۱۳۲۰/۱/۲۲ نبر.

حضور محترم ریاست کل شهریه

بظرف خاطر محترم سبق است بجهت ادبی نسیم صبا جندی است که بجهت بصورت اول چاپ نشود ولی همچاکه نه توفیق زنه تمطیل شده است مرتباً انتشاراتی از قبول کتاب وغیره داشته است اکنون بخواهد بصورت اول یعنی در چهار صفحه کوچک هفتک انتشار یابد بنا کر بر است از اینکه این نکه را باد آرزوم که این مجله به پیچیده داخل در سیاست نخواهد شد فقط دارای جنبه ادبی و اخلاقی بنود خواهد گشت در خانه ملزم هم بنسبم صدر پیرامون سیاست چه داخل چه خارج نگردد و این قول را بچاپ اشرف آقای نخست وزیر هم داد دام استدعا دارد امر و مقرراتینکه که بچاپ آنها اجازه داد، نزد کل مجله نامبرده را چاپ کنند - ۱۳۲۰/۱/۲۲ محل اصنا*

● پانوشتها

۱. تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۸، ج ۸، خلاصه صفحات ۲۵۰-۱۰۰.
۲. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت معارف، سری الف، پاکت ۲۷۳۱.
۳. همان منبع.
۴. همان منبع.
۵. همان منبع.
۶. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت داخله، سری الف، پاکت ۲۷۵۰.
۷. روزنامه اطلاعات، ش ۴۶۶۷، مورخ ۱۳۲۰/۷/۱۰.
۸. اطلاعات، ش ۴۶۸۵، مورخ ۱۳۲۰/۸/۱.
۹. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۸.
۱۰. روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۴، مورخ ۱۳۲۰/۱۰/۲۱.
۱۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت معارف، سری ب، پاکت ۲۲۲۰.
۱۲. همان منبع.
۱۳. همان منبع.
۱۴. همان منبع.
۱۵. همان جا، اسناد وزارت داخله، سری الف، پاکت ۲۷۱۴.
۱۶. همان جا، اسناد نخست وزیری، گد ۱۰۸۰۰۲.
۱۷. همان منبع.
۱۸. همان منبع.
۱۹. روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۷۸، مورخ ۱۳۲۰/۱۱/۵.
۲۰. همان منبع، ش ۴۷۸۷، مورخ ۱۳۲۰/۱۱/۱۶.
۲۱. همان منبع، ش ۴۷۴۶، مورخ ۱۳۲۰/۱۰/۲.